

دیدگاه فقهای اهل سنت سوریه در مورد اوراق مرابحه‌ای اجرا شده در ایران

محمد جواد محقق نیا،^۱ علاءالدین زعتری،^۲ محمد حسن ابراهیمی سروعلیا،^۳
محمد عبدالمجید الغبره^۴

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۸)

چکیده

اوراق مرابحه از جمله ابزارهای مالی می‌باشد که با هدف جذب سرمایه‌های خرد و هدایت آن در جهت تأمین منابع مالی پروژه‌های اقتصادی طراحی شده است. دانشمندان مسلمان از چندی پیش به منظور پرکردن خلأ حاصل از حذف اوراق قرضه، اقدام به طراحی اوراق بهادار اسلامی (صکوک) به نام اوراق مرابحه کرده‌اند که می‌تواند مکمل خوبی برای بازار پول و بازار سرمایه اسلامی، به منظور تأمین مالی بنگاههای اقتصادی و خرید داراییهای مورد استفاده محسوب شود. این اوراق، حاکی از بدهی ناشی از بیع مرابحه است و دارنده اوراق، مالک و طلبکار آن دین، در آن واحد می‌باشد. ولی یکی از مسائلی که باید به آن توجه کرد، ابزارهای مالی اسلامی در بازار سرمایه ایران می‌باشد که براساس فقه امامیه طراحی شده است. برخی معتقدند که در باب معاملات صکوک، میان مذاهب اسلامی، تفاوت فقهی وجود دارد و لذا تحقیقات انجام‌گرفته در این زمینه، گامی در راستای بررسی انواع اوراق بهادار مرابحه، به منظور انطباق اوراق با موازین شرعی به شمار می‌رود؛ هم از نظر کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار ایران که اکثر مصوبات آنها براساس فقه امامیه

۱. استادیار دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی / mghmohagh@yahoo.com

۲. استاد اقتصاد مالی اسلامی، دانشگاه دمشق / alzatari@scs-net.org

۳. استادیار دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی /

ebrahimi2020@yahoo.com

۴. دانشجوی دکتری مدیریت مالی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول) /

am.ghabra@gmail.com

است و هم از نظر فقها و اعضای هیئت مشورتی شرعی در بانک مرکزی سوریه که اکثر مصوبات آنها براساس مذهب اهل سنت می‌باشد. تلاش خواهد شد تا دیدگاههای مشترک و اختلافات میان مصوبات کمیته فقهی سازمان بورس ایران و دیدگاههای فقها و اعضای هیئت شرعی بانک مرکزی سوریه در مورد این مصوبات، تعیین گردد.

کلیدواژه‌ها: مباحه، اوراق مباحه، مبانی فقهی اوراق مباحه، کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار ایران، هیئت شرعی وابسته به مجلس نقد و اعتباری در بانک مرکزی سوریه.

طرح مسئله

بازار سرمایه، به عنوان یک سیستم زیر بخش مالی اقتصاد در کنار بازار پول کارکرد بسیار مهمی در توسعه فعالیتهای اقتصادی و ایجاد شرایط مطلوب اقتصادی در کشورهای مختلف دارد. بازار سرمایه، بازاری است که در آن ابزارهای مالی بلندمدت با سررسید بیش از یک سال معامله می‌شود (نادعلی، ۱۳۹۶ش، ۷۴). بازار اوراق بهادار - یک بازار منظم که در مکانی ثابت برگزار می‌شود - هیئت دارای سیستم خاص از مقررات و قوانین برای مدیریت و نظارت بر بازار می‌کند. تعدادی از سرمایه‌گذاران که تمایل دارند برای دادوستد سهام، سندات و یا صکوک در این بازار معامله کنند (زعتری، ۲۰۱۰م، ۴۳۸)، به بررسی تأثیر شفافیت اطلاعات بر عدم اطمینان از نقدشوندگی سهام و نیز تأثیر عدم اطمینان نقدشوندگی سهام بر ارزش شرکت می‌پردازند. ارزیابی عدم اطمینان نقدشوندگی سهام، چهار معیار شامل نوسان نقدشوندگی، چولگی توزیع نقدشوندگی، تغییرپذیری هم‌زمان نقدشوندگی سهام با نقدشوندگی بازار و تغییرپذیری هم‌زمان نقدشوندگی سهام با بازده‌های بازار مورد استفاده قرار گرفته است (کاظمی، ۱۳۹۰ش، ۱۲۴). بنابراین، ابزارهای مالی اسلامی (صکوک) می‌توانند نقش بزرگی در توسعه بانکداری و بازار سرمایه اسلامی در رسیدن به اهداف والایی که شریعت اسلامی برای حوزه اقتصادی در نظر گرفته ایفا کنند.

یکی از نیازهای گسترده و متنوع مشتریان از جمله خانوارها، بنگاه‌های اقتصادی و بانکها، نیاز تسهیلاتی برای خرید کالاها و خدمات است. آنها به صورت مستمر به خرید انواع کالاها و خدمات احتیاج دارند و در موارد زیادی برای تأمین مالی خرید، نیاز به استفاده از منابع مختلف پیدا می‌کنند. قرارداد مباحه، یکی از انواع قرارداد بیع است که از زمانهای قدیم بین مردم رایج بوده است و مقصود از آن بیع است (موسویان، ۱۳۸۸ش، ۱۰). برخی از متفکران مسلمان، با استفاده از ویژگیهای بیع مباحه اقدام به طراحی اوراق بهاداری

به نام اوراق بهادار یا صکوک مرابحه کرده‌اند (مقدسی، ۱۳۷۳ ش، ۸۸-۸۷) و در برخی کشورهای اسلامی چون مالزی، به عنوان اوراق قرضه اسلامی به مرحله اجرا نیز رسیده است (صالح آبادی، ۱۳۸۵ ش، ۳۱۷).

موسویان (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «صکوک مرابحه؛ ابزار مالی مناسب برای بازار پول و سرمایه اسلامی» توضیح داد که اوراق مرابحه می‌تواند مکمل خوبی برای بازار پول و بازار سرمایه اسلامی به منظور تأمین مالی و ابزار سیاست پولی باشد. این اوراق به صورتهای گوناگون قابل طراحی است که مهمترین آنها عبارت است از: اوراق مرابحه برای تأمین مالی، اوراق مرابحه برای تشکیل سرمایه شرکت‌های تجاری، تبدیل اوراق مرابحه رهنی به اوراق بهادار برای مطالبات بانکها و لیزینگها.

خنوسه (۲۰۱۵) در مقاله خود، تحت عنوان «ایجاد بازار اوراق بهادار اسلامی برای حل بحرانهای مالی» نشان داده است که فقه اسلامی برای حل بحرانهای مالی، گزینه مناسبی به حساب می‌آید، چرا که به واسطه ضوابط استخراج شده از فقه اسلامی، به‌ویژه در معامله‌های صورت گرفته در بازار اوراق بهادار، از معامله‌های ربا و فروش غیرشرعی جلوگیری شده است. وی تأکید کرده که برای آنکه سرمایه‌گذاران و افراد بتوانند در پروژه‌های مختلف مشارکت کنند، ایجاد بازار اوراق بهادر اسلامی ضرورت دارد.

زعتری (۲۰۱۰) در کتاب خود «فقه معاملات مالی مقارن» فقه معاملات در بازارهای مالی و همچنین کلیه ابزارهای مالی را بر اساس مذاهب اهل تسنن اربعه (حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی) بررسی نموده است. وی همچنین با استفاده از مقررات مجامع فقهی و استانداردهای مالی اسلامی، تمام قراردادها از جمله بیع و اجاره، مشارکت، استصناع و... را بر اساس فقه اسلامی بررسی کرده و در کتاب خود، توضیح داده است.

روش پژوهش

در این پژوهش قصد داریم میان مصوبات کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار ایران در خصوص اوراق مرابحه و دیدگاه فقها و اعضای هیئت مشورتی شرعی بانک مرکزی سوریه در خصوص آن مصوبات، مقایسه تطبیقی انجام دهیم. لذا رویکرد اصلی رویکردی تطبیقی خواهد بود. در این پژوهش از راهبرد تحلیل اسناد و مصاحبه استفاده شده است، خصوصاً که اوراق بهادار اسلامی در بازار سرمایه سوریه انتشار نیافته است.

جامعه آماری پژوهش، شامل فقها و اعضای هیئت شرعی بانک مرکزی سوریه در باب معامله ابزارهای مالی و همچنین خبرگان و کارشناسان اهل سوریه در حوزه مالی اسلامی می‌شود که با توجه به کم‌شمار بودن افراد فوق و کمبود زمان برای انجام مصاحبه و همچنین بحران سوریه، از روش سرشماری برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌شود، بنابراین نمونه آماری در کار نیست. به وسیله مصاحبه، دیدگاه‌های خبرگان سوریه در خصوص اوراق مرابحه دریافت می‌شود. در خصوص بازار سرمایه ایران، از اسناد، مدارک و مصوبات کمیته فقهی استفاده می‌کنیم.

مفهوم قرارداد مرابحه

اصل واژه مرابحه در لغت عربی «مَرَابَحَةٌ»، لغت مرابحه از کلمه «ربح» گرفته شده است که به معنی «افزایش» است. مرابحه به معنای فروختن با ذکر اصل سرمایه و درخواست سود یا مبلغ مازاد بر اصل سرمایه است^۵ (زعتری، ۲۰۱۰م، ۲۷).

اما اصطلاحاً به معنای است که فروشنده قیمت تمام‌شده کالا اعم از قیمت خرید و هزینه‌های حمل، نقل و سایر هزینه‌های مربوطه را به اطلاع مشتری می‌رساند و سپس تقاضای مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود می‌کند (موسویان، ۱۳۹۰ش، ۱۴). مرابحه مبلغ اضافه پرداختی است که خریدار یک دارایی خاص به جز داراییهای پولی همچون پول نقد و اسناد دریافتی به فروشنده می‌پردازد. بیع مرابحه در نزد جمهور فقهای شیعه و اهل تسنن جایز است و می‌تواند به صورت نقد، نسبه یا اقساطی منعقد شود و در صورتی که نسبه باشد به طور معمول نرخ سود آن بیشتر است (ابوعمر، ۲۰۱۸م، ۶۲). به عبارت دیگر، مرابحه یکی از ابزارهای مالی اسلامی برای تأمین مالی تولید، سرمایه در گردش واحدهای صنعتی، کشاورزی و معدنی است.

تفاوت مرابحه و فروش اقساطی

فروش اقساطی به عنوان یکی از ابزارهای طراحی شده بر مبنای بیع نسبه، استفاده می‌شود، ولی مرابحه از لحاظ موضوع، دامنه کاربرد و نیز تنوع در شیوه‌های پرداخت، جامعتر و

۵. البیع من ذکر رأس المال، ومع طلب الربح والزیادة.

کاملتر از فروش اقساطی است. مهمترین تفاوت‌های این دو ابزار به شرح زیر است (موسویان، ۱۳۹۰ش، ۴۴-۴۳):

۱. فروش اقساطی به لحاظ کاربرد موضوعی فقط برای کالاهای محدود و معینی قابل استفاده است، در حالی که مرابحه منحصر به کالای خاصی نیست و می‌توان از آن برای تمامی کالاهای مصرفی و با دوام مورد نیاز بنگاههای اقتصادی تولیدی، صنعتی و بازرگانی استفاده نمود؛

۲. مرابحه علاوه بر بوشش گسترده کالاها برای خرید خدمات مورد نیاز خانوارها، مؤسسات تولیدی، صنعتی و بازرگانی نیز قابل استفاده است، در حالی که در فروش اقساطی چنین امکانی وجود نداشت؛

۳. به لحاظ شیوه پرداخت، فروش اقساطی عموماً شیوه پرداخت اقساطی تدریجی را مورد توجه قرار داده است، در حالی که مرابحه شیوه‌های دیگر پرداخت در عقد بیع شامل بیع نقدی، بیع نسبه دفعی و بیع نسبه اقساطی را در بر می‌گیرد؛

۴. از قابلیت‌های دیگر مرابحه می‌توان به امکان طراحی و انتشار اوراق مرابحه (صکوک مرابحه) براساس آن اشاره نمود.

تعریف اوراق مرابحه

اوراق مرابحه، اوراق بهاداری هستند که دارندگان آنها به صورت مشاع مالک دارایی مالی (دینی) هستند که بر اساس قرارداد مرابحه، حاصل شده است. این اوراق بازدهی ثابت داشته و قابل فروش در بازار ثانوی هستند (پیره، ۱۳۹۲ش، ۲). دارندنده ورق، مالک و طلبکار آن دین است (صالح‌آبادی، ۱۳۹۲ش، ۱).

ارکان اوراق مرابحه

در انتشار اوراق مرابحه عناصر حقیقی و حقوقی متعدد حضور دارند. مهمترین عناصر عبارتند از (موسویان، ۱۳۸۸ش، ۱۱):

۱. بانی: هر شخص حقوقی مانند دولت یا بنگاه اقتصادی بخش دولتی یا خصوصی است که انتشار اوراق با هدف تأمین مالی وی صورت می‌گیرد؛

۲. ناشر (واسط): هر شخص حقوقی است که اوراق بهادار را منتشر می‌نماید و واسط یک مؤسسه مالی است که توسط بانی برای انجام یک پروژه خاص انتخاب یا تأسیس می‌شود؛
۳. سرمایه‌گذاران (دارندگان اوراق): اشخاص حقوقی یا حقیقی هستند که با خرید اوراق بهادار، بانی را تأمین مالی می‌نمایند؛
۴. امین: شخص حقوقی مورد تأیید سازمان بورس است که بر کل روند انتشار اوراق بهادار نظارت دارد و تمامی نقل و انتقال با اجازه وی صورت می‌گیرد؛
۵. شرکت تأمین سرمایه: شرکتی است که به عنوان واسطه بین ناشر و سرمایه‌گذاران فعالیت می‌نماید؛
۶. مؤسسه رتبه‌بندی: شرکتی است که با گرفتن مجوز از سازمان بورس اقدام به تعیین رتبه‌بندی اعتباری اوراق می‌کند.

انواع اوراق مرابحه

اوراق مرابحه را می‌توان به روشهای مختلفی دسته‌بندی کرد (همان، ۲۰-۱۲):

۱. اوراق مرابحه تأمین مالی خرید دارایی

در این نوع از اوراق، بانی برای تأمین مالی خود، اقدام به انتخاب یا تأسیس مؤسسه مالی به عنوان واسط می‌کند. واسط با انتشار اوراق مرابحه، وجوه سرمایه‌گذاران را جمع‌آوری می‌نماید و به وکالت از طرف آنان، کالای مورد نیاز بانی را از تولیدکننده (فروشنده) به صورت نقد خریداری و به صورت بیع مرابحه نسبه، به قیمت بالاتر به بانی می‌فروشد.

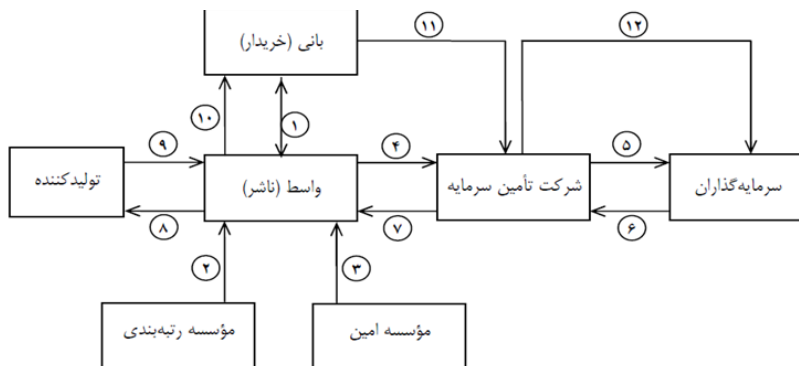
روابط حقوقی اوراق مرابحه تأمین مالی دارایی از این قرار است:

- بانی با تأسیس یک مؤسسه واسط، پیشنهاد خود مبنی بر خرید نسبه دارایی خاص به قیمت مشخص را اعلام می‌دارد؛

- واسط با انتخاب مؤسسه رتبه‌بندی مورد تأیید سازمان بورس، امیدنامه خود را برای اعلام رتبه اعتباری تقدیم می‌کند و مؤسسه رتبه‌بندی اعتبار با نی و واسط را اعلام می‌کند؛

- واسط با انتخاب مؤسسه امین مورد تأیید سازمان بورس، نظارت طرح را از او می‌خواهد و امین با نظارت از ابتدا تا انتهای طرح موافقت می‌کند؛

- واسط بعد از کسب مجوز از سازمان بورس، اقدام به انتشار اوراق مرابحه به ارزش اسمی معادل قیمت نسبیه دارایی می‌کند؛
- شرکت تأمین سرمایه، اوراق را به مردم واگذار کرده و وجوه آنان را جمع‌آوری و در اختیار واسط قرار می‌دهد؛
- واسط با وجوه جمع‌آوری شده، به وکالت از طرف صاحبان اوراق، دارایی مورد نظر بانی را به صورت نقد از تولیدکننده (فروشنده) خریداری کرده، سپس با افزودن سود مشخص به صورت نسبیه به بانی می‌فروشد؛
- بانی متعهد می‌شود که قیمت نسبیه دارایی را در سررسید مقرر از طریق شرکت تأمین سرمایه به مردم واگذار کند.

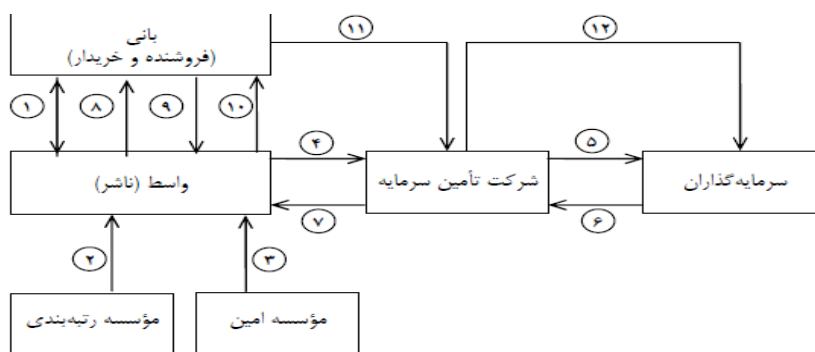


شکل ۱. مدل عملیاتی اوراق مرابحه تأمین مالی دارایی

۲. اوراق مرابحه تأمین نقدینگی یا بازخرید داراییها

در سال ۱۹۹۲ میلادی بخش خصوصی در اقتصاد مالزی نوعی اوراق بهادار منتشر کرد که مبتنی بر بیع‌العینه یا بازخرید دارایی فروخته شده بود. در این روش، مؤسسه ناشر اوراق، داراییهای دولت و بنگاههای اقتصادی که با کمبود نقدینگی مواجه شده‌اند را به صورت نقد خریده می‌نماید، سپس با قیمتی بالاتر و به صورت نسبیه مدت‌دار به خود آنها می‌فروشد.

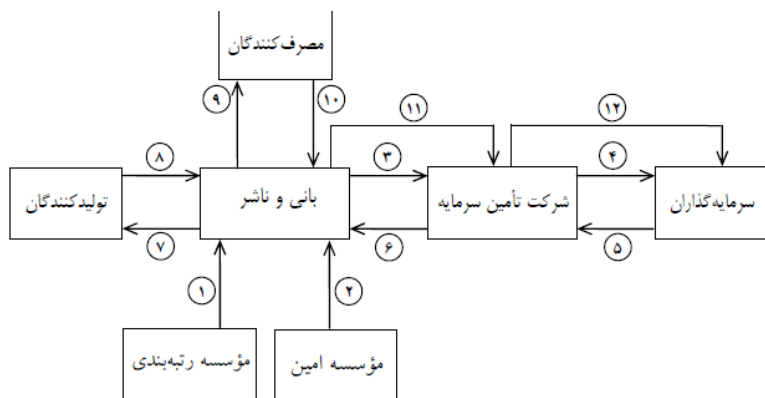
روابط حقوقی در اوراق مرابحه نوع دوم، همانند نوع اول است. تنها با این تفاوت که در این نوع، مؤسسه واسط، دارایی را از خود بانی به صورت نقد خریداری می‌کند و سپس همان دارایی را با قیمت بالاتری به صورت نسیه به خود او (بانی) می‌فروشد.



شکل ۲. مدل عملیاتی اوراق مرابحه تأمین نقدینگی

۳. اوراق مرابحه جهت تشکیل سرمایه شرکتهای تجاری

هدف از این نوع از اوراق مرابحه، تشکیل سرمایه‌ی فعالیت تجاری مستمر است. بانی (شرکت تجاری) از طریق شرکت واسط و به وسیله انتشار اوراق مرابحه، وجوه افراد را جمع‌آوری می‌نماید و به وکالت از طرف آنان، کالاهای مورد نیاز دولت، سازمانهای دولتی، شرکت‌های وابسته به دولت و بنگاههای اقتصادی بخش خصوصی و مصرف‌کنندگان را از تولیدکنندگان یا مراکز فروش به صورت نقد خریداری می‌کند، سپس با افزودن نرخ معینی به‌عنوان سود، به صورت نسیه به مصرف‌کنندگان نهایی می‌فروشد. اوراق مرابحه نوع سوم، ماهیت اوراق سهام شرکتها را دارد و می‌تواند بدون سررسید معین منتشر شود، کما اینکه می‌تواند دارای سررسید معین و قابل تبدیل به اوراق سهام طراحی‌گردد (پیره، ۱۳۹۲ش، ۴). روابط حقوقی این اوراق، مشابه نوع اول است، تنها با یک تفاوت و آن هم اینکه، بانی می‌تواند نقش ناشر را ایفا کند.

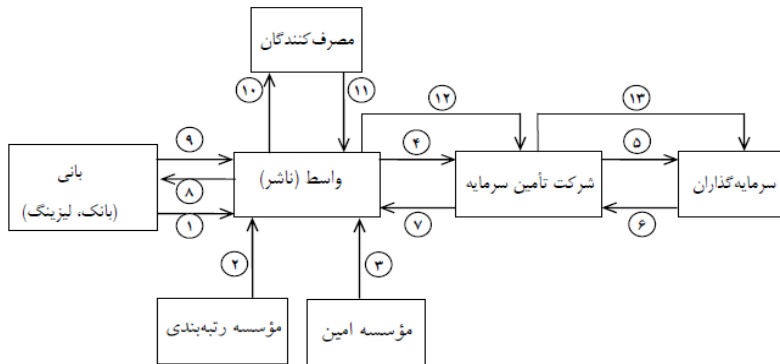


شکل ۳. مدل عملیاتی اوراق مرابحه شرکت‌های تجاری

۴. اوراق مرابحه رهنی

یکی از کاربردهای مهم اوراق مرابحه، تبدیل کردن تسهیلات بانکها و شرکت‌های لیزینگ به اوراق بهادار است. در این روش، بانی (بانک یا شرکت لیزینگ) که دارایی‌هایی را به صورت مرابحه (فروش اقساطی) رهنی به دولت، بنگاه‌ها خصوصی و عمومی و خانوارها واگذار کرده است، می‌تواند با تبدیل کردن مطالبات حاصل از تسهیلات مرابحه به اوراق بهادار، منابع خود را نقد کند. واسط با انتشار اوراق مرابحه، وجوه سرمایه‌گذاران را جمع‌آوری، سپس به وکالت از طرف آنان، دین حاصل از تسهیلات مرابحه را به قیمت تنزیلی از بانی (بانک یا شرکت لیزینگ) خریداری می‌کند. بانی متعهد می‌شود که در سررسیدهای مشخص مبلغ اسمی دیون را از بدهکاران دریافت کرده و از طریق شرکت تأمین سرمایه به دارندگان اوراق برساند.

روابط حقوقی در این نوع از انواع اوراق مرابحه، مشابه نوع اول است، با این تفاوت که بانک یا شرکت لیزینگ، نقش بانی را ایفا می‌کند. هم‌چنین واسط با استفاده از وجوه مردم و به وکالت از طرف آنان، مطالبات حاصل از تسهیلات مرابحه رهنی را بر اساس نرخ تنزیل معین، خریداری و به وکالت از طرف صاحبان اوراق، مالک دیون (مطالبات حاصل از تسهیلات مرابحه رهنی) می‌شود (شماره رقم ۸، ۹ و ۱۰ در مدل عملیاتی آن).



شکل ۴. مدل عملیاتی اوراق مرابحه رهنی

۵. اوراق مرابحه مبتنی بر سهام

اوراق بهاداری هستند که بانی، برای تأمین مالی کل یا بخشی از ثمن خرید مقدار مشخصی از سهام یک شرکت سهامی، منتشر می‌کند. به این معنا که هدف از انتشار اوراق مرابحه مبتنی بر سهام، تأمین مالی جهت خرید سهام یک شرکت سهامی است. نهاد واسط پس از انتشار اوراق و به وکالت از دارندگان اوراق، وجوه حاصل از عرضه اوراق را صرف خرید نقدی سهام شرکت مورد نظر از شخص ثالث نموده و سپس اوراق سهام را در قالب قرارداد مرابحه به بانی واگذار می‌نماید. بانی در سررسیدهای معین نسبت به تسویه ثمن سهام خریداری شده اقدام می‌نماید. دارندگان اوراق مالکان مشاع مطالباتی هستند که براساس قرارداد مرابحه حاصل شده است. (دبیرخانه کمیته تخصصی فقهی، ۱۳۹۵ش، ۲/۲۵-۲۴).

بازار ثانوی اوراق مرابحه

همه انواع اوراق مرابحه اگر مشکل فقهی نداشته باشد، قابلیت خرید و فروش در بازار ثانوی را خواهد داشت. دارنده ورق مرابحه، مالک سند مالی با سررسید معین است و می‌تواند با توجه به نرخ تنزیل، آن را به مبلغی کمتر از قیمت اسمی به شخص ثالث (خریدار) بفروشد و مابه‌التفاوت قیمت خرید و قیمت اسمی ورق، سود خریدار از سرمایه‌گذاری در اوراق مرابحه خواهد بود که نرخ مشخص دارد (موسویان، ۱۳۹۱ش، ۵۰۹). به عبارت دیگر، مؤسسه ناشر می‌تواند منتظر بماند و سررسید مبلغ اسمی و سررسیدهای معین دریافت کند،

هم‌چنین می‌تواند در بازار ثانوی آنها را بفروشد «تزیل کند» (صالح آبادی، ۱۳۸۵ش، ۱۱۴). بنا به حدیث نبوی «نهی رسول‌الله ﷺ از بیع مُضطر، فقهای اهل سنت سوری توضیح داده‌اند که فروش این اوراق در بازار ثانوی مقدور است، به شرط آنکه دارنده اوراق به نقدینگی احتیاج داشته باشد و آنها را به قیمت اسمی بفروشد؛ در غیر این صورت، دریافت مابه‌التفاوت بین قیمت اسمی و قیمت فروش، ربا محسوب می‌شود، چرا که اوراق مرابحه بر اساس عقد بیع دین با بانی، ایجاد شده است.

بررسی فقهی اوراق مرابحه

با توجه به پیچیدگی‌های بازار سرمایه و ابزارهای متنوع پیشنهادی، رکن معتبری به عنوان کمیته شرعی یا فقهی مورد نیاز است تا در مورد مسائلی که به لحاظ شرع اسلام مجاز است یا مجاز نیست، اظهار نظر کند. در اکثر کشورهای اسلامی و غیراسلامی، هیئتهای شرعی با عناوینی همچون شورای فقهی، شورای شریعت، کمیته شرعی و غیره تشکیل شده‌اند که وظیفه آنها نظارت شرعی بر بازارهای پول و سرمایه است. ولی نقش کمیته‌های شرعی به‌طور قابل ملاحظه‌ای از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است. لذا برای بررسی فقهی اوراق مرابحه، ناگزیر از مراجعه به توضیحات کمیته فقهی ایران و هیئت شرعی سوریه هستیم.

۱. کمیته تخصصی فقهی در سازمان بورس و اوراق بهادار ایران

پس از تصویب قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران در آذرماه سال ۱۳۸۴، با توجه به مسائل شرعی در ارکان مختلف بازار سرمایه ایران و لزوم سازگاری تمام فعالیت‌های بازار سرمایه با موازین شرعی، ایده تشکیل کمیته فقهی مطرح شد تا نظارت شرعی بر فعالیت‌های مختلف در بازار سرمایه به صورت شفاف و کامل صورت پذیرد. در این راستا کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار از سال ۱۳۸۵ آغاز به کارکرد و به استناد ماده (۷) قانون بازار اوراق بهادار و هم‌چنین تشکیلات مصوب ۸ آذرماه ۱۳۸۵ هیئت وزیران در خصوص تشکیل و فعالیت کمیته تخصصی فقهی به تصویب رسید و تا به امروز حدود ۱۱ سال از تشکیل این کمیته می‌گذرد. این کمیته از بدو تأسیس تاکنون نزدیک به ۱۷۰ نشست برگزار کرده و در طی این نشستها بیش از ۷۰ مصوبه در خصوص مسائل مختلف بازار

سرمایه تصویب و ابلاغ نموده است. اعضای کمیته فقهی هشت عضو هستند که عبارتند از پنج نفر فقیه صاحب نظر در مسائل بازار سرمایه، یک نفر متخصص مالی، یک نفر حقوقدان و یک نفر اقتصاددان آشنا با بازار سرمایه با تعیین رئیس سازمان.

وظیفه این کمیته ارزیابی ابزارهای مالی جدید است که در بازارهای مالی جهانی به کار گرفته شده است. اکثر ابزارهای مالی مطرح در جهان کار مطالعاتی انجام داده و در عین حال شباهت فقهی در ابزارهای مالی را بررسی کرده است که این موضوع پیش از این محل مناقشه میان فقهای اسلامی بوده است. کمیته تخصصی فقهی ایران در تنظیم مصوبه خود همواره بر رعایت فتاوی مراجع عظام تقلید شیعیه امامیه تأکید داشته است. فرآیند طرح بحث و تهیه مصوبه کمیته فقهی که براساس رأی گیری می باشد از مراحل مختلفی تشکیل شده است که در نهایت مصوبه کمیته فقهی تهیه و ابلاغ می شود. به صورت کلی، فرآیند تصمیم گیری در کمیته عبارت است از:

ارائه موضوع توسط کارشناسان بورس سابقه کار و خبره در جلسه کمیته فقهی؛

ارائه موضوع شناسی فقهی توسط نایب رئیس کمیته فقهی؛

بحث و تبادل نظر در خصوص ابعاد حقوقی، مالی، اقتصادی و فقهی و در نظر گرفتن فتاوی مراجع عظام تقلید شیعه؛

جمع بندی موضوع توسط رئیس کمیته فقهی و تهیه پیش نویس توسط دبیر کمیته فقهی؛
قرائت متن مصوبه در جلسه کمیته فقهی، ارائه پیشنهادات و امضاء مصوبه کمیته فقهی و ابلاغ آن توسط دبیرخانه کمیته فقهی.

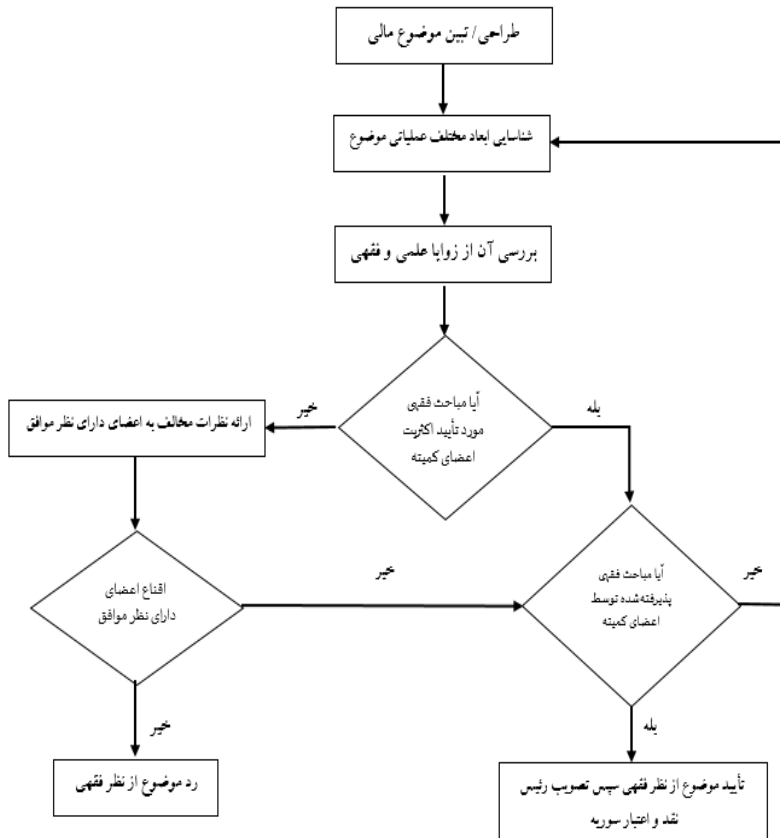
۲. هیئت مشورتی شرعی وابسته به شورای نقد و اعتبار در بانک مرکزی سوریه
براساس قانون بانک مرکزی سوریه و قانون نظام سیاست پولی در جمهوری عربی سوریه به شماره ۲۳ تاریخ ۱۷ مارس ۲۰۰۲، به استناد ماده ۱۲ قانون شماره ۳۵ سال ۲۰۰۵ مربوط به ایجاد بانکهای اسلامی، هم چنین تشکیلات مصوب شماره ۳۸۶ تاریخ ۳۰ آوریل ۲۰۰۸ صادر شده توسط بانک مرکزی سوریه و موافقت هیئت وزیران در خصوص تشکیل هیئت مشورتی شرعی وابسته به شورای پول و اعتبار بانک مرکزی و فعالیت آن به تصویب رسید. اعضای هیئت مشورتی شرعی پنج نفر فقیه در مسائل، معاملات و ابزارهای مالی اسلامی، قانون و اقتصاد هستند که دارای سوابق کار در زمینه تأمین مالی و اقتصاد اسلامی

می‌باشند. اگر لازم باشد هیئت مشورتی شرعی سوریه برای شرکت در جلسات خود از صاحب‌نظران و فقیهان دیگری که دارای تخصص و دانش در زمینه تأمین مالی اسلامی، قانون و اقتصاد هستند برای ارائه نظر دعوت می‌کند. تشکیل این هیئت گامی اساسی در مسیر توسعه بازار مبتنی بر موازین شریعت اسلام در بازارهای مالی و سرمایه سوریه محسوب می‌شود. هیئت شرعی از بدو تأسیس تاکنون، بیش از ۴۰ جلسه برگزار کرده و در طی این جلسات، چندین مصوبه در خصوص مسائل مختلف بانکداری و قراردادهای مالی، تصویب و ابلاغ نموده است.

با توجه به اینکه هیئت شرعی تحت عنوان «هیئت مشورتی شرعی وابسته به شورای پول و اعتبار در بانک مرکزی سوریه» عمل می‌کند، به استناد ماده ۱۲ قانون شماره ۳۵ سال ۲۰۰۵ - که در خصوص تشکیل بانک اسلامی بوده است - توضیح می‌دهد که وظیفه این کمیته، ابراز نظر در قراردادهای، ابزارهای مالی و عملیات بانکداری اسلامی و همچنین ارزیابی ابزارهای مالی که در بازارهای مالی جهانی به کار گرفته شده و تأثیر آنها بر سیاستهای پول و اقتصاد سوریه است. در دستورالعمل تأسیس و فعالیت هیئت مشورتی شرعی، وظایف و نحوه عملکرد آن آورده شده است که می‌توان به این موارد اشاره کرد: مشاوره در خصوص امور مالی اسلامی - مربوط به شورای پول و اعتبار - و کمک به توسعه برنامه آموزشی مالی اسلامی و انتشارات علمی در زمینه مالی اسلامی کشور، همکاری در برگزاری نشستهای علمی در زمینه مالی اسلامی ملی و بین‌المللی، همکاری با شورای پول و اعتبار جهت یافتن روشهای نظارتی بر تأمین مالی اسلامی به منظور اطمینان بیشتر از انطباق روشها با شریعت اسلامی و تصمیم‌گیری در خصوص مسائل مربوط به اختلافات قانونی در شوراهای نظارت بر بانکها و مؤسسات مالی اسلامی، بررسی شبهات فقهی در مورد معاملات بانکی و ابزارهای مالی و ارائه راه‌حلهای مناسب، اعلام نظر در مورد مشروعیت معاملات بین بانک مرکزی و بانکهای اسلامی در سوریه و بررسی ابعاد فقهی مسائل مالی، پولی و سایر موارد، به شرطی که با شرع اسلام مخالف نباشد. مصوبات هیئت شرعی، بر مبنای رأی‌گیری حداقل سه عضو است، ولی اگر دیدگاه اعضای هیئت یکسان نباشد، دیدگاه رئیس هیئت مشورتی شرعی بانک مرکزی سوریه، یعنی نظر مفتی اعظم سوریه، ملاک عمل می‌باشد.

فرآیند تصمیم‌گیری هیئت شرعی به این شکل است که بعد از شناسایی ابعاد مختلف عملیاتی موضوع، زوایای علمی و فقهی آن بررسی و سپس نتیجه را استخراج می‌شود. لازم

است یادآوری شود که این هیئت مشورتی شرعی در بانک مرکزی سوریه، استانداردهایی صادر شده از مجمع فقهی اسلامی بین‌المللی و فقه معاملات مقارن را جهت ابراز نظر و انجام نظارت شرعی مؤثر تدوین می‌کند. شکل ۵ فرآیند تصمیم‌گیری هیئت شرعی بانک مرکزی زیر را نشان می‌دهد:



شکل ۵. روش تصمیم‌گیری هیئت شرعی بانک مرکزی سوریه

نظرات فقها

بعد از روشن شدن فرآیند عملیات تصویب در کمیته فقهی ایران و هیئت مشورتی شرعی سوریه، نظر فقها و اعضای آنها در مورد مباحثه عبارت است از بیع مباحثه از معاملات مجاز

و مشروع نزد همه مسلمانان است و هیچ اختلافی در آن وجود ندارد، اما اوراق مرابحه مشتمل بر معاملات دیگری غیر از مرابحه است که جنبه فقهی آن، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. فقه امامیه

۱-۱. جایگاه قرارداد مرابحه در متون روایی

تفاوت ماهوی قرارداد مرابحه با ربا و تصریح خداوند سبحان بر حلیت آن در آیه شریفه «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا؛ خدا داد و ستد را حلال و ربا را حرام گردانیده است» (بقره، ۲۷۵)، قرارداد مرابحه را به یکی از پرتکرارترین قراردادهای در متون روایی تبدیل نموده است. از جمله:

- روایت بر اصل مشروعیت مرابحه: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اشکالی ندارد کالایی را که هنوز مالک نشده‌ای بفروشی، به این صورت که ابتدا صحبت‌هایتان را می‌کنید (قرار می‌گذارید)، سپس کالا را به نحوی که مشتری مطالبه می‌کند برای خودت خریداری می‌کنی، سپس به مشتری می‌فروشی» (کلینی، ۱۳۶۷، ش، ۲۰۱/۵؛ طوسی، ۱۳۶۵، ش، ۴۹/۷).

توضیح اینکه قرارداد بیع مرابحه به دو صورت رایج است. نخست مرابحه عادی، در این حالت تاجر کالایی را خریداری کرده، منتظر مشتری می‌ماند، هر زمان که مشتری آمد با در نظر گرفتن سود مشخصی به وی می‌فروشد. حالت دوم مرابحه سفارشی است، در این حالت، مشتری سراغ تاجر رفته سفارش خرید کالایی را به او می‌دهد، تاجر پس از سفارش مشتری کالا را خریده با در نظر گرفتن سود مشخصی به وی می‌فروشد (موسویان، ۱۳۹۰، ش، ۳۷).

- روایت بر مشروعیت مرابحه نقد و نسیه: محمد بن مسلم می‌گوید از امام باقر علیه السلام پرسیدم: در مورد مردی که نزد مردی دیگر آمده می‌گوید کالایی برای من خریداری کن، شاید به صورت نقد یا نسیه از تو خریداری کنم، پس وی کالا را به خاطر او خریداری می‌کند؟ امام علیه السلام فرمود: «اشکالی ندارد، همانا از او خریداری می‌کند، پس از آنکه مالک شد». قرارداد بیع مرابحه از جهت دیگر به دو نوع تقسیم می‌شود؛ نخست مرابحه نقدی، در این حالت فروشنده با در نظر گرفتن سود مشخصی کالا را به صورت نقد به مشتری می‌فروشد و قیمت آن را تحویل می‌گیرد. حالت دوم مرابحه نسیه است، در این حالت فروشنده با در نظر گرفتن سود مشخصی کالا را به صورت نسیه به مشتری می‌فروشد و قیمت آن را به صورت دفعی یا تدریجی در آینده تحویل می‌گیرد (موسویان، ۱۳۹۰، ش، ۳۸).

- روایت بر مشروعیت مرابحه وکالتی: منصور بن حازم می‌گوید، به امام صادق علیه السلام گفتم: گاهی فردی از فرد دیگر قصد معامله عینه دارد، به این صورت که سراغ وی می‌آید و می‌گوید: من به نیاز خودم آگاهتر از تو هستم، پولی در اختیار من بگذار تا مایحتاج خود را خریداری کنم، پس درهماها را می‌گیرد و مایحتاج خود را خریداری می‌کند، سپس آنها را پیش صاحب پول می‌آورد، پس او کالا را به وی می‌فروشد؟ امام علیه السلام فرمود: «آیا این دو اختیار دارند؛ اگر بخواهد خریداری کند و اگر بخواهد ترک کند و فروشنده هم اگر بخواهد بفروشد و اگر بخواهد ترک کند؟» گفتم: بله، چنین اختیاری دارند، امام علیه السلام فرمود: «اشکالی ندارد».

- روایت بر مشروعیت مرابحه با سود درصدی: اسماعیل بن خالق می‌گوید، از امام کاظم علیه السلام در مورد معامله عینه پرسیدم، گفتم: بسیاری از تجار ما امروزه معاملات عینه دارند و من برای شما توضیح می‌دهم که چه کار می‌کنیم، امام (ع) فرمود: توضیح بده. گفتم: معامله‌گری پیش ما می‌آید و کالایی را می‌خواهد با هم گفتگو می‌کنیم در حالی که ما کالا را نداریم. به ما می‌گوید: «أریحک ده یازده، و أقول أنا: ده دوازده» به تو سود می‌دهم ده به یازده، می‌گویم ده به دوازده، با هم چانه می‌زنیم تا به نرخ توافق می‌کنیم، پس از فراغ از تعیین سود، می‌پرسم چه کالایی را قصد داری تا برایت بخرم؟ ... امام علیه السلام فرمود: «اشکالی در این معامله نمی‌بینم».

قرارداد بیع مرابحه از جهت شیوه محاسبه سود نیز به دو حالت تقسیم می‌شود؛ نخست مرابحه با سود مبلغی، در این حالت فروشنده کالای خریداری شده را با در نظر گرفتن مبلغ سود مشخصی به مشتری می‌فروشد. حالت دوم مرابحه با سود درصدی است، در این حالت فروشنده کالای خریداری شده را با در نظر گرفتن درصد سود مشخصی به مشتری می‌فروشد (موسویان، ۱۳۹۰، ش، ۳۹).

۱-۲. دیدگاه و مصوبات کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار ایران

با توجه به فراوانی روایات وارده در موضوع بیع مرابحه، فقها در طول تاریخ، حکم به درستی بیع مرابحه داده‌اند. از این رو، اعضای کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار ایران بر قرارداد مرابحه صحه گذاشته‌اند. علی‌رغم اینکه بیع مرابحه از معاملات مجاز و مشروع نزد همه مسلمانان است، ولی اوراق مرابحه مشتمل بر معاملات دیگری غیر از مرابحه نیز

می‌گردد. به همین دلیل، کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار ایران، جلساتی برای بحث و بررسی در مورد انواع اوراق مرابحه برگزار نموده است. اعضای کمیته فقهی در این جلسات اشاره کردند که اوراق مرابحه به عنوان اوراق کوتاه‌مدت در بعضی از بانکهای اسلامی و بازارهای سرمایه اسلامی استفاده می‌شود. انواع اوراق مرابحه و ارکان آنکه در بالا ذکر شده است، مقبول باشد، چون این اوراق با قرارداد مرابحه بین دو طرف مشابهت دارد، به شرط آنکه قرارداد ضوابط شرعی عمومی رعایت شود.

ولی علی‌رغم استفاده از اوراق مرابحه تأمین نقدینگی در کشور مالزی، اکثر فقهای اسلام می‌دانند که مشابه بیع‌العینه است، زیرا در این نوع اوراق، کالا از بانی خریداری و به خودش فروخته می‌شود. هم‌چنین اعضای کمیته فقهی، اوراق مرابحه رهنی تبدیل تسهیلات بانکها و شرکتهای لیزینگ به اوراق بهادار را ارائه کردند. به نظر می‌رسد که این کار از نظر فقهی مشکلی ندارد و این اوراق مشابه اوراق مرابحه جهت خرید دارایی است. کمیته فقهی توصیه کرده که سیاستگذاران، اوراق مرابحه رهنی را محدود کنند تا متناسب با ظرفیتهای اقتصادی و کشش بازار باشد و بانک مرکزی موظف است حجم اوراق مرابحه رهنی را به طریقی کنترل نماید تا زمینه بروز بحران مالی به وجود نیاید.

بازار ثانوی اوراق مرابحه، محل بیع دین است، زیرا صاحبان اوراق، صاحب دین می‌شوند و اگر بخواهند اوراق را در بازار ثانوی بفروشند، قیمت اوراق تنزیل می‌شود. به اعتقاد مشهور فقهای شیعه، فروش دین با استفاده از قرارداد صلح دین به جای بیع دین جایز است، زیرا این دین، واقعی است و نه صوری. اکثر مراجع تقلید خرید و فروش دین به بدهکار یا شخصی دیگر، مثل چک و سفته را به شرطی که دین، حقیقی (صوری نباشد) و فروشنده، طلبکار مبلغ دین از صادرکننده آن باشد، به قیمت کمتر و به صورت نقد، جایز می‌دانند. این طور می‌شود گفت که می‌توانند تا سررسید منتظر بمانند و از سود نهایی مرابحه استفاده کنند یا قبل از سررسید، اوراق خود را با سود کمتری به فروش برسانند (جلسه کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار ایران، شماره ۴۳).

در انتشار اوراق مرابحه به منظور خرید مواد و کالا از فروشندگهایی که تحت کنترل بانی است، اعضای کمیته فقهی بیان کردند که اگر بانی با شرکت فروشنده از نظر مالکیت متحد باشد، انتشار اوراق مرابحه جهت تأمین مالی بانی با مشکل بیع‌العینه مواجه می‌شود. ولی آنها یک راه‌حل ارائه کرده‌اند که شرکت واسط با انتشار اوراق مرابحه، وجوه را جمع‌آوری کند

و در اختیار شرکت فروشنده بگذارد. شرکت فروشنده نیز به وکالت از طرف شرکت واسط با استفاده از وجوه جمع‌آوری شده، کالا را از تولیدکنندگان به صورت نقد خریداری کرده و سپس به وکالت از شرکت واسط به صورت نسیه به بانی بفروشد. هم‌چنین با توجه به تعدد مالکیت تولیدکنندگان کالا با بانی، خرید و فروش صحیح است و مشکل بیع‌العینه پیش نمی‌آید. شرکت فروشنده می‌تواند قرارداد دیگری با بانی داشته باشد (جلسه کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار ایران، شماره ۷۴).

انتشار اوراق مرابحه مبتنی بر سهام، جهت تأمین مالی برای خرید سهام یک شرکت سهامی است. کمیته فقهی می‌داند که سهام هم به عنوان دارایی پایه در اوراق مرابحه قرار می‌گیرد. اگر طرفین قرارداد مرابحه، سرمایه‌گذاران و بانی در نظر گرفته شود، فروشنده سهام باید مستقل از بانی باشد، به عبارتی شخص ثالثی باشد. در نتیجه، اوراق مرابحه مبتنی بر سهام، به دلیل آنکه مبتنی بر عقد مرابحه است، بازدهی ثابتی برای سرمایه‌گذاران خواهد داشت. اعضای کمیته بیان کردند که با توجه به تصویب کلیات اوراق مرابحه، از نظر شرعی، اشکال فقهی بر این اوراق وارد نیست و معامله این اوراق در بازار ثانویه را مجاز اعلام کرده‌اند. اما اگر خریدار سهام (بانی) با فروشنده سهام از نظر مالکیت متحد باشد، انتشار این اوراق مرابحه با مشکل بیع‌العینه مواجه می‌شود (جلسه کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار ایران شماره ۱۰۹ و ۱۱۰).

به صورت کلی، اوراق مرابحه، در خرید کالای مورد نیاز دولت و بنگاههای اقتصادی کاربرد دارد که در قرارداد باید نوع کالا تعیین شود. اما گاهی اوقات، بانی و نهاد واسط از طرف دارندگان اوراق، وکالت دارد که منابع حاصل از انتشار اوراق مرابحه را جهت خرید نقدی کالا یا خدمات که در آینده مشخص می‌شود (نوع کالا یا خدمت در قرارداد تعیین نمی‌شود) از فروشنده طلب نماید و سپس در قالب بیع مرابحه به بانی بفروشد. این اوراق را «اوراق مرابحه عام» می‌نامند. اعضای کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار ایران اشاره کردند که انتشار اوراق مرابحه عام با رعایت ضوابط انتشار اوراق مرابحه، از نظر فقهی صحیح است (جلسه شماره ۱۶۶).

۲. فقه اهل سنت در سوریه

۲-۱. جایگاه قرارداد مرابحه در متون و دلایل شرعی

بر اساس دلایل شرعی در کتاب، سنت، اجماع و معقول، همه فقهای اسلامی، بر صحت قرارداد بیع علی سبیل الجواز بالمطابفة نه بالالتزام تأکید کرده‌اند (زعتری، ۲۰۱۰م، ۲۶). در قرآن اشاره شده است: «وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا: و خدا بیع را حلال نموده و ربا را حرام کرده است» (بقره، ۲۷۵) و نیز: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال خود را در بین خود به باطل مخورید، مگر آنکه تجارتی باشد با رضایت دو طرف و یکدیگر را به قتل نرسانید که خدای شما مهربان است» (نساء، ۲۹). در حدیثی از پیامبر ﷺ نقل شده است: «سُئِلَ النَّبِيُّ ﷺ عَنْ أَفْضَلِ الْكَسْبِ فَقَالَ بَيْعٌ مَبْرُورٌ وَعَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ: از پیامبر خدا ﷺ در مورد بهترین کسب پرسیده شد، ایشان فرمودند: بیع مبرور و کاری که به دست مرد انجام شود» (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ۱۴۱/۴). قرارداد مرابحه یکی از قراردادهای ذکر شده در دلایل شرعی (کتاب، سنت و اجماع) است. از جمله:

۲-۲. دلایل شرعی بر اصل مشروعیت مرابحه

خداوند متعال فرموده است: «وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا: و خدا بیع را حلال نموده و ربا را حرام کرده است» (بقره، ۲۷۵) به این معنا که دو طرف قرارداد، مجازند که هر تصرفی انجام دهند و این تحلیل از اول بیع وجود دارد. اطلاق قضیه اقتضا می‌کند که تصرفات متوقف بر ملک هم از اول حصول انشاء جایز باشد. موضوع جواز انجام این امور، ملک است و همین که انجام این امور جایز دانسته شده باشد، دلالت بر این می‌کند که از ابتدا انشاء ملکیت حاصل شده است (ابوعمر، ۲۰۱۸م، ۳۴). طبق حدیث «عَنْ حَكِيمِ بْنِ حِزَامٍ قَالَ: أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقُلْتُ: يَا تَبِيَّ الرَّجُلُ يُسْأَلُنِي مِنَ الْبَيْعِ مَا لَيْسَ عِنْدِي، أُبْتَاعُ لَهُ مِنَ السُّوقِ، ثُمَّ أُبَيْعُهُ؟ قَالَ: لَا تَبِعْ مَا لَيْسَ عِنْدَكَ: حکیم بن حزام گفته است: نزد رسول خدا آمدم و گفتم: مردی پیش من آمد و از من در مورد بیع کالایی پرسید که من آن را ندارم، رسول خدا فرمود: "هر کالایی که نداری، آن را نفروش" (ترمذی، ۱۹۹۶م، ۵۱۴/۲).

اکثر فقهای اهل سنت اشاره کرده‌اند که اگر امکان دارد فروشنده، اطلاعات کالا به دست آورد و آن را تهیه کند، می‌تواند آن کالا را بفروشد مانند خرید کالا در راه یا سفارش خرید

کالا از خارج (زعتری، ۲۰۱۰م، ۵۱-۵۰)، بیع سلف و استصناع به عنوان بیع مستقل (پیره، ۱۳۹۲ش، ۷).

۲-۳. دلایل شرعی بر مشروعیت مباحه نقد و نسیه

فروش کالای نقد یا نسیه با تاریخ سررسید مشخص، جایز است، به دلیل که خداوند متعال می‌گوید: «وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا: و خدا بیع را حلال نموده و ربا را حرام کرده است» (بقره، ۲۷۵). این آیه شامل تمام معاملات، اعم از نقد یا نسیه می‌باشد و در جایی دیگر، خداوند گفته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه به یکدیگر وامی تا مدت معینی دادید، آن را بنویسید» (بقره، ۲۸۲). هم‌چنین: «حَدِيثُ عَائِشَةَ: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ اشْتَرَى مِنْ يَهُودِيٍّ طَعَامًا إِلَىٰ أَجَلٍ وَرَهْنَهُ دِرْعًا لَهُ مِنْ حَدِيدٍ: حدیث عائشه گفته است: نبی خدا ﷺ از فردی یهودی به صورت نسیه غذا خرید و سپر از آهن ساخته شده رهن داد» (بخاری، ۱۴۲۲ق ۳۰۲/۴؛ مسلم، بی تا، ۱۱/۴۰-۳۹).

به عبارت دیگر، بیع مباحه به صورت نسیه، حتی با اهل ذمه، صحیح است (زعتری، ۲۰۱۰م، ۶۰).

نیز: «عَنْ أَبِي الْمُنْهَالِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَدِمَ النَّبِيُّ ﷺ الْمَدِينَةَ وَهُمْ يُسْلِفُونَ بِالْتَّمْرِ السَّتِينَ وَالثَّلَاثَ، فَقَالَ: مَنْ أَسْلَفَ فِي شَيْءٍ، فَفِي كَيْلٍ مَعْلُومٍ وَوَزْنٍ مَعْلُومٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مَعْلُومٍ: ابی المنهال از ابن عباس نقل کرده است: نبی خدا ﷺ به مدینه آمد، در حالی که اهالی مدینه خرمای سلف به مدت ۲ سال و سه می‌دادند. ایشان فرمودند: هر کسی چیزی را به صورت سلف داد، باید کیل محدد و وزن محدد آن، ظرف مدت مشخص باشد» (بخاری، ۱۴۲۱ق، ۷۸۱/۲، مسلم، بی تا، ۱۱/۳۱).

به این معنا که اگر طرفین قرارداد راضی باشند، نسیه به مدت چند سال قابل قبول است.

۲-۴. دلایل شرعی بر مشروعیت مباحه وکالتی

یکی از شرایط قرارداد بیع مباحه، یکی از طرفهای قرارداد، وکیل، متولی یا وصی باشد. به همان دلیل که رسول خدا ﷺ برای خرید قربانی گوسفند، حکیم بن حزام را توکیل داد (ابوداود سجستانی، بی تا، ۳/۶۷۹).

۲-۵. دلایل شرعی بر مشروعیت مرابحه با سود درصدی

اگر فروشنده یک کالا به ۱۰۰۰ دینار خریده و می‌خواهد آن را به ۱۵۰۰ دینار بفروشد و مشتری این قیمت قبول کرده است. این کار، مانع شرعی ندارد، زیرا یکی از شرایط عقد «ایجاب و قبول» است (ابوعمر، ۲۰۱۸م، ۵۶).

در مذهب حنفی، انتقال مالکیت در قرارداد اول با ثابت ماندن ارزش اولیه به اضافه سود است^۶ و در مذهب شافعی، بیع با همان قیمت، به علاوه سود با تمامی اجزای آن می‌باشد^۷. مرابحه فروش با رضایت طرفین قرارداد می‌باشد، وضوح معلومات مندرج در قرارداد و آشکار بودن آن برای طرفین، مشروعیت آن را تأیید می‌کند^۸ (زعتری، ۲۰۱۰م، ۱۶۳-۱۶۲).

۲-۶. دیدگاه فقها و اعضای هیئت شرعی بانک مرکزی سوریه

در جمع‌بندی نظرات فقها و اعضای کمیته شرعی بانک مرکزی سوریه که با روش مصاحبه گروهی کانونی انجام شد، نکات زیر به زعم آنان به دست آمد:

یکی از انواع قرارداد فروش، بیع مرابحه است که نزد همه مسلمان، مشروع و از معاملات مجاز است و هیچ اختلاف فقهی در مورد آن وجود ندارد. لذا انتشار اوراق مرابحه جهت خرید دارایی، از نظر فقهای اهل سنت، صحیح و مجاز شمرده می‌شود. هم‌چنین انتشار اوراق مرابحه برای تأمین مالی نقدینگی یا بازخرید داراییها، این ابزار مشابه بیع‌العینه است و قرارداد باطل؛ زیرا ناشر، دارایی را از دولت و بنگاه‌های اقتصادی به صورت نقد می‌خرد و سپس همین دارایی را به قیمتی بالاتر به صورت نسیه مدت‌دار به خود بانی می‌فروشد. انتشار اوراق مرابحه جهت تشکیل سرمایه شرکت‌های تجاری، به رونق اقتصادی کشور و مشارکت سرمایه‌گذاران خرد در تشکیل سرمایه شرکتها کمک می‌کند. در این صورت، انتشار این ابزار هیچ اشکال فقهی ندارد و قابلیت اجرا دارد. هم‌چنین در سررسید، این اوراق به سهام تبدیل می‌شود. طبق نظر برخی از فقهای سوریه، این نوع از اوراق، مشابه اوراق مضاربه محسوب می‌شود.

۶. نقل ما ملکه بالعقد الأول، بالتمن الأول مع زیادة ربح.

۷. بیع بمثل التمن أو ما قام علیه به، مع ربح موزع علی أجزائه.

۸. المرابحه بیع بالتراضی بین المتعاقدين، فکان دلیل شرعیه البیع مطلقاً بشروطه المعلومه هو دلیل جوازا.

اوراق مرابحه رهنی، قابل اجرا در بازار سرمایه است، ولی به دلیل اینکه سیستم اقتصادی سوریه اسلامی نیست، امکان اجرای آن در بازار سوریه وجود ندارد، فقهای سوریه چند شرط ارائه کرده‌اند:

۱. بانک باید مالک دارایی باشد که به صورت تسهیلات، به مشتریان خود می‌دهد؛
۲. باید فعالیت و معاملات ناشر و بانی، اسلامی باشد تا بتواند از این ابزار استفاده کند؛
۳. بانک مرکزی، تعداد اوراق مرابحه رهنی را بر اساس وضعیت پولی کشور کنترل کند تا بحران به وجود نیاید.

در خصوص انتشار اوراق مرابحه به منظور خرید مواد و کالا و خدمات از فروشنده‌هایی که تحت کنترل بانی است، برخی از فقهای سوریه تأکید کردند که این اوراق مشابه بیع‌العینه است و این موضوع، یکی از حیل ربا است؛ چرا که در این صورت، شرکت واسط با استفاده از وجوه سرمایه‌گذاران، مواد را از شرکت فروشنده تحت مالکیت بانی به صورت نقد می‌خرد و به صورت نسبی به بانی می‌فروشد و این، همان بیع‌العینه است. در اینجا نیز فقهای سوریه، شرایطی را برای مجاز بودن این امر ارائه نموده‌اند:

۱. بانی و فروشنده استقلال مالی و اداری دارند، اگرچه تحت کنترل یک هیئت‌مدیره عمل می‌کنند؛

۲. تعداد شرکتها مانند شرکتهای تولید قطعات در سراسر کشور، بسیار محدود است؛
۳. بانی به منظور حصول اطمینان بیشتر از تأمین مواد اولیه و کنترل زنجیره تولید، واحد مستقلی به منظور تأمین مواد اولیه ایجاد نموده و خرید مواد اولیه مورد نیاز خود را منحصراً از این فروشنده انجام می‌دهد؛

۴. امکان سپردن پول نزد بانی، برای خریداران اوراق به صورت مستقیم وجود ندارد. اگر این شرایط نزد بانی محقق شد، انتشار این اوراق از نظر برخی از فقها و اعضای هیئت شرعی سوریه، صحیح است.

در خصوص اوراق مرابحه مبتنی بر سهام، برخی از فقها تأکید کرده‌اند که اگر سهام شرکت در بازار سرمایه «برای بار اول منتشر شد» یا برای افزایش سرمایه این شرکت، این کار از نظر فقهی جایز نیست، زیرا دارایی این شرکت هنوز به صورت نقدینگی است و به دارایی ملموس تبدیل نشده است و ما نمی‌توانیم پول را بخریم. اما اگر نقدینگی شرکت به صورت دارایی تبدیل شد، در این صورت هیچ مانع شرعی ندارد و می‌توانیم برای خرید سهام شرکت،

عقد مرابحه انجام دهیم. هم‌چنین اگر بانی و فروشنده سهام، متحد هستند (شرکت هلدینگ و یک شرکت زیرمجموعه آن)، این اوراق بیع‌العینه محسوب می‌شود، زیرا این قرارداد، واقعی نیست و صوری است. در غیر این صورت، این ابزارها می‌تواند در بازار سرمایه معامله شود. برای معامله دوم اوراق مرابحه، طبق نظر فقهای اهل تسنن، انتشار اوراق مرابحه تنها در بازار اولیه جایز است و بر اساس قواعد شریعت اهل سنت، انتشار اوراق در بازار ثانویه جایز نیست. به این دلیل که اوراق مرابحه، نشان‌دهنده دیون خریدار کالا است و این منجر به بیع دین به دین می‌شود. اما بعد از خرید کالا و قبل از فروش آن به بانی، مبادله اوراق جایز است. اما برخی از فقهای سوریه نظری دیگر دارد که دارنده اوراق طلبکار دین است و از لحاظ شرعی نمی‌تواند آن را بفروشد، ولی بر اساس قاعده شرعی «الضرورات تبیح المحظورات» که استنباط شده از آیه «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» کسی که [برای حفظ جان خود به خوردن آنها] ناچار شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد بر او گناهی نیست، زیرا خدا آمرزنده و مهربان است.» (بقره، ۱۷۳). این موضوع می‌تواند منجر به فروش این اوراق در بازار ثانوی می‌شود، به شرط آنکه دارنده به تقدینگی احتیاج داشته باشد و آنها را به قیمت اسمی بفروشد. تفاوت قیمتی بین قیمت اسمی و قیمت فروش، ربا محسوب می‌شود، زیرا اوراق مرابحه بر اساس عقد بیع دین با بانی ایجاد شده است و رسول‌الله ﷺ نهی بر بیع مضطر است.

نتیجه

الف: قراردادهای مرابحه:

بر اساس تحقیقات و بررسیهای انجام شده در زمینه صحت و مجازبودن قراردادهای بیع مرابحه از نظر فقهی در هر دو مذهب امامیه و اهل سنت سوری به این نتیجه رسیدیم که هر دو مذهب این نوع قراردادها را مجاز می‌دانند. روایات به دست آمده از ائمه اطهار اهل بیت (ع) صحت این گفتار یعنی همان مجازبودن قراردادهای بیع مرابحه را تأیید می‌کنند. از طرف دیگر فقه اهل سنت سوری نیز این امر را مجاز و صحیح می‌داند. البته با در نظر گرفتن چهار بندی که در زیر ذکر می‌شود:

۱. عدم جواز ربا؛
۲. شفاف بودن قرارداد و رعایت حقوق طرفین قرارداد؛

۳. عدم جواز غرر؛

۴. عدم جواز ضرر و ضرار.

لازم به ذکر است که این چهار بند فوق خود جزو اصول اساسی فقه معاملات مباحه هستند.

ب: اوراق مباحه:

کمیته فقهی یا شرعی به عنوان رکنی معتبر در بازار سرمایه است تا در مورد مسائلی که به لحاظ شرع اسلام مجاز است یا مجاز نیست، اظهار نظر کند. سازمان بورس و اوراق بهادار دارای کمیته تخصصی فقهی و مستقل از شورای فقهی بانک مرکزی در ایران است. هم چنین برخی کمیته‌ها که وظیفه نظارت شرعی بر بازار پول را بر عهده دارند، ابزارهای مالی اسلامی مرتبط با بازار سرمایه را به کمیته فقهی بانک مرکزی مثل هیئت مشورتی شرعی بانک مرکزی سوریه ارجاع می‌دهد و تصمیمات آن در بازار سرمایه سوریه نیز استفاده می‌شود. در بحث اوراق مباحه مشخص می‌شود که شباهتهای زیاد و تفاوت‌های کمی وجود دارد. ما ابتدا از شباهتها شروع و سپس به تفاوتها اشاره می‌کنیم که عبارتند از:

۱. اوراق مباحه جهت تأمین مالی تهیه کالاها در دو مذهب صحیح است؛

۲. اوراق مباحه جهت تأمین نقدینگی در دو مذهب صحیح نیست، زیرا مشابه بیع‌العینه و قرارداد صوری است.

۳. اوراق مباحه رهنی: نظر کمیته و هیئت شرعی، بر صحت آنهاست. هم چنین تأکید کرده‌اند که اقتصاددانان و مسئولان بانک مرکزی، باید تعداد اوراق مباحه رهنی را بر اساس وضعیت پولی کشور کنترل کنند تا بحران ایجاد نشود. کمیته سوریه توضیح داده است که علاوه بر این، می‌بایست فعالیت بانکها و موسسات مالی و لیزینگ، اسلامی باشد و پیش از آنکه تسهیلات و دارایی را به مشتریان خود بدهند، مالک آنها باشند؛

۴. در مورد اوراق مباحه شرکتهای تجاری که مورد توافق فقه شیعه و اهل سنت است، امکان تبدیل این اوراق در سررسید به سهام وجود دارد. برخی فقهای اهل سنت، این اوراق را مشابه اوراق مضاربه می‌دانند؛

۵. اوراق مباحه مبتنی بر سهام، از نظر دو کمیته صحیح است، به این شرط که بانی و فروشنده متحد نباشد. اما برخی از اعضای هیئت مشورتی شرعی سوریه، تبصره‌ای نیز اضافه کرده‌اند که اگر سهام شرکت در بازار سرمایه «برای اولین بار منتشر شد» یا برای افزایش

سرمایه این شرکت، این کار جایز نیست، زیرا دارایی این شرکت هنوز به شکل نقدینگی است و به دارایی ملموس تبدیل نشده است و ما نمی‌توانیم پول را بخریم. اما اگر نقدینگی شرکت به صورت دارایی تبدیل شد، هیچ مانع شرعی ندارد؛

۶. رابطه حقوقی دارندگان اوراق با نهاد واسط از نظر دو کمیته، رابطه وکالت است؛

۷. ضامن از نظر فقهی دو کمیته صحیح است. به نظر آنها ضامن شخص حقوقی است که پرداخت اقساط، دارایی و سایر وجوهی را که بانی ملزم به پرداخت آن به نهاد واسط می‌باشد، در سررسید یا سررسیدهای معین، تعهد و تضمین می‌نماید. ضمانت اشخاص حقوقی تحت کنترل بانی جهت انجام تعهدات بانی، قابل قبول نیست. ولی کمیته فقهی ایران به ضامن اجازه داده که کارمزد را دریافت کند، در حالی که دریافت کارمزد از نظر کمیته فقهی سوریه صحیح نیست، زیرا ربا محسوب می‌شود و ضامن به صورت احسان و تبرع عمل می‌کند.

در این مقاله، نظر اعضای کمیته فقهی سازمان بورس ایران (که اکثر مصوبات آنان براساس فقه شیعه است) و اعضای کمیته مشورتی شرعی بانک مرکزی سوریه (که اکثر مصوبات آنان بر اساس فقه اهل تسنن است)، در خصوص امکان‌سنجی انتشار یا عدم انتشار اوراق مرابحه در بازار سرمایه ایران و سوریه بحث و بررسی شده است. هم‌چنین شباهتها یا تفاوت‌های بین دیدگاه آنها در خصوص این اوراق ارائه شده است. از بررسیهای اظهارشده این‌گونه برداشت می‌گردد که شباهتهای زیادی بین دو کمیته وجود دارد و هر دو کمیته، به نوعی یکدیگر را تکمیل می‌کنند. بنابراین، بر خلاف دیدگاه برخی افراد، اختلافات فقهی بین آنان چندان زیاد نیست.

فهرست منابع

- قرآن کریم.

- ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند الإمام احمد بن حنبل*، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ق.
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی داود*، بیروت، المكتبة العصرية، بی تا.
- ابوعمر، عدنان؛ زعتری، علاءالدین، *فقه المعاملات المالية المقارن*، سوریه، دارالعصماء، ۲۰۱۸م.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، دمشق، دارطوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
- پیره، مجید؛ کاوند، مجتبی؛ میرزاخانی، رضا، *اوراق سفارش ساخت*، تهران، سازمان بورس و اوراق بهادار ایران، ۱۳۹۲ش.
- ترمذی، محمد بن عیسی، *الجامع الكبير*، بیروت، دارالغرب الإسلامی، ۱۹۹۶م.
- دبیرخانه کمیته تخصصی فقهی، *مصوبات کمیته فقهی سازمان اوراق بهادار ایران*، تهران، سازمان بورس و اوراق بهادار ایران، ۱۳۹۵ش.
- زعتری، علاءالدین، *فقه المعاملات المقارن*، سوریه، دارالعصماء، ۲۰۱۰م.
- صالح آبادی، علی، «اوراق مباحه؛ ابزاری جدید برای تأمین مالی در بازار سرمایه ایران»، *مجله بازار سرمایه اسلامی*، شماره ۲، ۱۳۹۲ش.
- همو، *بازارهای سرمایه اسلامی*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۵ش.
- طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الأحكام*، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵ش.
- کاظمی، حسین؛ رحیمیان، نظامالدین؛ هوایی، بنفشه، «رابطه شفافیت و عدم اطمینان نقدشوندگی سهام در بورس اوراق بهادار تهران»، *مجله مطالعات تجربی حسابداری مالی*، شماره ۳۶، ۱۳۹۰ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۷ش.
- مسلم بن حجاج نیشابوری، *صحیح مسلم*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- مقدسی، محمدرضا، *سیاستهای پولی: انتخاب ابزاری به عنوان جایگزین*، تهران، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۳ش.
- موسویان، سیدعباس، «اوراق مباحه ابزار مالی مناسب برای بازار پول و سرمایه ایران»، *مجله جستارهای اقتصادی*، شماره ۶، ۱۳۸۸ش.
- همو، «کاربرد مباحه در بانکداری بدون ربا»، *مجله روند پژوهشهای اقتصادی*، شماره ۵۹، ۱۳۹۰ش.
- همو، *ابزارهای مالی اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱ش.
- نادعلی، محمد؛ رسولی، معصومه؛ سلطان العلمایی، سید محمدهادی؛ حاجی دولابی، هدی؛ نصیری، سمیرا، «تعامل بازار پول و سرمایه در اقتصاد ایران»، *مجله روند*، شماره ۷۷، ۱۳۹۶ش.